[جزوه سازمانهای پولی و مالی بین المللی](http://azadqods.blogfa.com/post/34)

سازمانهاي پولي و مالي بين المللي1-

جوامع بشري از ديرباز با اجتماع انسانها پیرامون منابع طبيعي سرشار زمين مانند رودخانه ها ، چشمه هاي زيرزميني ، درياها و درياچه ها ، جنگلها و معادن زيرزميني و سطحي تشكيل شده اند. اين اجتماع حداقل به دو علت مهم اتفاق مي افتاده است :

1-بهره مندي از منابع طبيعي به راحت ترين شكل ممكن.

2-زندگي مشترك در كنار يكديگر و همپوشاني نيازهاي هم.

امروزه ، پس از گذشت هزاران سال از تجربه زندگي اجتماعي بشر ، نيازي به اثبات نيست كه بشر در اجتماع، زندگي راحت تري را تجربه مي نمايد تا در انزوا. چرا كه انسانها در اجتماع نيازهاي يكديگر را مرتفع مي سازد و مي توان گفت بشر ديگر قادر به زندگي انفرادي راحت نمي باشد.

روحيه اجتماعي و تعاون بشري در قرون گذشته همواره سازوكارهاي جديدي را براي جامعه بشري توصيه و تصويب نموده و اين پديده همچنان پابرجاست. ايجاد قوانين و سازمانهاي ملي، منطقه اي و جهاني از جمله دستاوردهاي زندگي اجتماعي بشر است، اگر بشر در اجتماع زندگي نكند چه نيازي به قانون دارد، چه نيازي به سازمان دارد؟ بنابراين، سازمانها بوجود آمده اند تا زندگي اجتماعي انسانها را نظام مند كنند، و از اين طريق ضمن سهولت فعاليتهاي جاري آنها از تزامحات احتمالي بكاهد.

" اقتصاد" در میان فعاليتهاي اجتماعي بشر جايگاه مهمي دارد چرا كه با معيشت و حيات وي مرتبط است، اقتصاد بد يعني معيشت بد و اقتصاد خوب يعني معيشت خوب . در ميان

سازمانهاي بين المللي نيز، سازمانهاي اقتصادي جايگاه مهمي دارند .اين همه بخاطر اهمیت مقوله " اقتصاد " است . امروزه اگر مقامات و مديران يك كشور بتوانند وضعيت اقتصادي كشورشان را بهبود ببخشند، مديران موفقي محسوب مي شوند و اگر نتوانند ، مديران ناموفقي خواهند بود.

اين بدان معناست كه تقريباً در سراسر دنيا ، محوريت با " اقتصاد " مي باشد و ميزان

موفقيت يا عدم موفقيت مدیران عالي يك كشور ، وضع شاخص هاي اقتصادي در دوره مديريت ايشان مي باشد .

اين مساله مهم، يعني اقتصاد، در اعصار گذشته ، هر چه به عقب بازميگرديم، شكل انفرادي تري داشته است، هم در مقياس فردي، و هم در مقياس اجتماعي. انسانها و جوامع در زمانهاي گذشته با " اقتصاد " ساده تري مواجه بوده اند و " *خود مصرفي* " نمود بيشتري داشته است. اما به مرور زمان ، با گسترش جوامع و پيدايش اجتماعات جديد ، رفته رفته ، "اقتصاد " از ماهيت ساده خود فاصله گرفته و پيچيده تر شده است و " توليد براي خود " جايش را به "توليد براي تجارت " داده است .

روزگاري ، محصولات كشاورزي را براي خود، توليد مي كردند و مصرف مي نمودند ، سپس شكل ساده اي از توليدات و ابزارآلات صنعتي پديد آمد كه نمونه هاي اوليه آن نيز شامل " توليد براي خود " مي شد. با پیشرفت هاي صنعتي بوجود آمده ، بويژه پس از " انقلاب صنعتي " قرن هجدهم ميلادي و اختراع " ماشين بخار " ، ابزار صنعتي پيچيده تر شده و امكان توليدات كشاورزي در تيراژهاي بالاتر بوجود آمد.

همين امر، ماهيت اقتصاد را از شكل ساده به شكل پيچيده و تركيبي، متحول نمود و توليد براي تجارت، يعني توليد براي غير، و به منظور كسب درآمد، جاي " توليد براي خود " را گرفت.

وقتي اقتصاد از خانواده بيرون آمد و شكل ملي و اجتماعي بخود گرفت ، و زماني كه از سطح ملي نيز فراتر رفت و در مقياس بين المللي و جهاني مطرح شد، ضرورت تشكيل سازمانهاي اقتصادي ملي و بين المللي نيز احساس گرديد و سازوكارهاي آن تدوين شد.

سازمانهايي چون ماليات، بورس، سرمايه گذاري و بانكها، نمونه هايي از اين نوع هستند. دسته اي از اين سازمانها ، امروزه به " *سازمانهاي پولي و مالي* " مشهور شده اند.

سازمانهاي پولي و مالي ، سازمانهايي هستند كه محور فعاليت آنها امور پولي و مالي است . در واقع آنها از اين طريق اقدام *به تعديل امور اقتصادي*در گستره جامعه هدفشان مي نمايند. دادن يا ندادن پول ، تحت عنوان *وام و ارائه مشورت* در خصوص *سرمايه گذاري* هاي مناسب در بخشهاي مختلف اقتصاد و *مشاركت*در آنها و *تضمين هاي مربوطه* ، از جمله مهمترين محور هاي اين " *تعديل*" مي باشد.

سازمانهاي پولي و مالي بين المللي – 2

*وجه تمايز سازمانهاي پولي از سازمانهاي مالي*

در سازمانهاي پولي، همچنان كه از نام آنها معلوم است، " *پول* " محور فعاليت است. پول، امروزه ابزار مهمي در امور اقتصادي است . گذشته از اين كه بوسيله آن مي توان در خريد و فروش كالا و خدمات سهولت ايجاد كرد ، و يا از آن بعنوان ذخيره كننده " *ارزش اقتصادي*" استفاده نمود ، مي توان ارزش كالا و خدمات توليد شده در يك جامعه را با ثباب يا بي ثبات

نمود. بعنوان مثال، انتشار بي رويه پول، بدليل گرانتر شدن قيمت كالا و خدمات توليدي، به لحاظ بروز شرايط تورمي، بازار كالا و خدمات را با بي ثباتي مواجه خواهد نمود، توليد كننده و مصرف كننده قيمت تعادلي محصول را " گم" خواهند نمود، در حالي كه انتشار " به اندازه " پول، قيمت تعادلي محصول را با ثبات و پايدار كرده و هرگونه برنامه ريزي در توليد را ممكن خواهد كرد.

بنابراين، امروزه پول *فقط* وسيله مبادله و ذخيره ارزش نيست، بلكه از آن بعنوان ابزاري براي رونق يا ركود اقتصادي استفاده مي شود. با بهره گيري از همين قابليت هاي " پول " كه در واقع تنظيم كننده روابط اقتصادي است ، شاخص هاي اقتصادي دستخوش تحول مي شوند، اين وظيفه بعهده سازمانهاي پولي گذاشته مي شود.سازمانهاي پولي، مانند نهادهايي كه پول را منتشر مي كنند، يا نهادهايي كه بعنوان وام آن را در اختيار متقاضيان آن قرار مي دهند، يا حتی نهادهايي كه بعنوان منتشركنندگان و توزيع كنندگان اوراق قرضه ( مشاركت ) اقدام به جمع آوري وجوه نقد از سطح جامعه مي نمايند، امروز سازمانهايي تـأثير گذار در ايجاد ثبات يا بي ثباتي اقتصاد جامعه هستند.

اما سازمان هاي مالي ، مفهومي وسيع تر را در برمي گيرند ، در اين سازمانها، پول نتنهايكي از ابزار است ، بلكه ابزارهاي ديگري هم چون دانش و فناوري توليد و تجارت، آموزش نيروي انساني كارآمد، بهره مندي از تكنيك هاي پيشرفته استخدام عوامل توليد و بويژه توجه به مقوله سرمايه گذاري بمنظور نيل به " سود آوري " ( و نه فعاليتهاي عام المنفعه و خيرخواهانه ) در خدمت اهداف سازمان قرار دارند.

در واقع مي توان به اين نكته نيز اشاره داشت كه وجه تمايز اين دو ، همان وجه تمايز "پول"و " مال " است، در ادبيات اقتصادي ، پول اعم از مال است، درحاليكه هردو از ابزارها و ذخاير اقتصادي مي باشند. از اين منظر ، سازمانهاي پولي و مالي نيز داراي وجه تمايز هستند،

يعني سازمانهاي مالي معمولاً اعم از سازمانهاي پولي هستند و از آنجا كه به مرور زمان، فعاليت هاي اقتصادي پيچيده تر مي شوند و براي تعديل امور اقتصادي، پول از كفايت لازم برخوردار نمي باشد ، بنابراين كارايي مؤسسات و سازمانهاي مالي در جامعه جهاني كنوني بيشتر از سازمانهاي پولي تخمين زده مي شود .

عصر پیدایش سازمانهای پولی و مالی

پایان جنگ دوم جهانی در دنیا مصادف بود با دو پدیده مهم و شوم که بر سر اقتصاد کشورها سایه افکنده بود، از جمله فقر و خرابیهای ناشی از جنگ . به استثنای ایالات متحده آمریکا که از خرابی های جنگ بدور مانده بود، اکثریت کشورها یا از فقر رنج می بردند یا از

جنگ . علی رغم اینکه از پایان جنگ اول جهانی تنها 21 سال سپری می شد، جنگ دوم نیز مانند جنگ اول ، در اروپا آغاز شد. دو جنگ با وسعت زیاد، که بالغ بر 80 میلیون نظامی و غیر نظامی را به کام مرگ فرستاد و چندین برابر آن مجروح و معلول باقی گذارد؛ در فاصله دقیقاً 31 سال، اوت 1914 تا اوت 1945 ، بسیاری از شهرها و کشورهای جهان را به تلی از خاک تبدیل نمود . درواقع کشورهایی در این دو جنگ دستخوش ویرانی شدند که از اقتصاد های بزرگ و تأثیر گذار جهان محسوب می شدند. بنابراین نمی توان ابعاد این جنگها را " منطقه ای " پنداشت بلکه براستی ابعاد آنها " جهانی " بود. یک نمونه از آن ، قحطی سراسری ایران ، بین سالهای 1917 تا 1919 بود که بواسطۀ اشغال ایران ، علی رغم اعلام بی طرفی رد جنگ ، با حمله بریتانیا، و تلفاتی بین 8 تا 10 میلیون نفر ( حدود 40 درصد جمعیت ایران)، اتفاق افتاد. بنابراین، جنگهای اول و دوم ، علی رغم اینکه منطقه ای محسوب می شوند امّا تلفات و تأثیرات تخریبی آنها، جهانی بود . این پدیده، علاوه بر فقر عمومی جهانی که معمولاً سایه شوم آن بر بسیاری از کشورهای آسیائی ، آفریقایی و آمریکای جنوبی، افکنده شده بود، جهان را در نیمه قرن بیستم ( 1950 میلادی ) به خرابه ای متروک با ساکنین بیمار و گرسنه تبدیل کرده بود.

سازمان های پولی و مالی بين المللي-3

با ابتکار ایالات متحده آمریکا ، کنفرانس برتون وودز *Bretton-woods con.))*در ایالت *نیو همپشایر* در شمال شرقی ایالات متحده ،در سال 1944 برگزار گردید و از جمله دستاوردهای این کنفرانس عبارت بود از تأسیس 2 نهاد مهم پولی و مالی جهانی : صندوق بین المللی پول و بانک جهانی.

در حقیقت با تأسیس این دو نهاد در اواسط قرن بیستم ، عصر تعامل جوامع اقتصادی جهان از طریق سازمانهای پولی و مالی بین المللی ، آغاز می شود . این دو نهاد ، اولین سازمانهای پولی و مالی بین المللی هستند که *بمنظور تعدیل روابط اقتصادی و تجاری*

*بین المللی* پایه گذاری شدند. پدیده ای که بیش از 60 سال پیش آغاز شد ولی هنوز روند تکاملی آن ادامه دارد. سازمانی تأسیس می شود و گاهی اوقات بدون حصول هرگونه نتیجه ای منحل می شود ، یا بدون اینکه منحل شود ، کارایی و اثربخشی خود را از دست می دهد و مصوباتش ضمانت اجرایی پیدا نمی کند ، گاهی نیز سازمانی قوی تر و کارآمدتر، تصمیمات آن را تضعیف و یا حتی خنثی می کند .

گروه بندی های سازمانهای پولی و مالی بین المللی

سازمانهای پولی و مالی در بدو پیدایش ، سازمانهایی بسیط و ساده و دارای یک وظیفه مشخص با دامنه تأثیر معلوم و محدود بودند. مانند صندوق بین المللی پول که در ابتدا صرفا ً برای اعطای وام با شرایطی بسیار ساده و عموما ًدر جهت رونق تجارت و تعدیل تراز پرداختهای کشور های عضو ، فعالیت می کردند. اما روال بدین منوال باقی نماند، شرایط اعطای وام در آن روز به روز پیچیده تر شد، تا جایی که امروزه ، صندوق ، صرفا ً یک نهاد پولی و وام دهنده نیست ، بلکه گروه های کارشناسی آن، تحت شرایط خاص و در صورت فراهم شدن بسترهای مناسب در کشور مقصد، اعطای وام به آن را تصویب می نمایند، با این وجود از اعطای یکباره و تمام و کمال وام خودداری نموده و آن را در چند مرحله و در صورت تایید اتمام بی عیب و نقص مراحل قبل ، از لحاظ فیزیکی و فنی ، بخشی دیگر از تسهیلات پرداخت می شود.

سازمانها در ابتدای تأسیس با لطایف الحیل بدنبال عضوگیری هستند، امّا پس از توسعه و برخورداری از جایگاه و اعتبار بین المللی، شرایط عضویت در آنها پیچیده تر شده و حتی یک امتیاز محسوب می شود، البته ممکن است به مرور زمان و با بروز رفتارهای غیرحرفه ای و صرفا ً سیاسی و یا ارائه مشورت های نادرست محبوبیت برخی سازمانها و اقبال کشورها در عضویت آنها، دستخوش تغییراتی شود.

طی شش دهه گذشته که از عمر پیدایش سازمانهای پولی و مالی سپری شده، این سازمانها را می توان به 3 گروه کلی طبقه بندی نمود:

-1 سازمانهای با مقیاس جهانی

-2سازمانهای با مقیاس منطقه ای

-3 سازمانهای تخصصی

سازمانهای با مقیاس جهانی

این سازمانها ، در واقع سازمانهای عمومی پولی و مالی بین المللی هستند ، به این مفهوم که برای عضویت در آنها ، حضور در منطقه جغرافیایی خاص یا برخورداری از تخصص و تولید مشخصی، ملاک نیست . هر کشوری می تواند درخواست عضویت داده و پس از گذراندن شرایط، عضو شود .از جمله نمونه های مهم سازمانهای با مقیاس جهانی، می توان به صندوق بین المللی پول و بانک جهانی اشاره کرد.

سازمانهای با مقیاس منطقه ای

این سازمانها، معمولاً با انگیزه های عکس العمل گرایانه تأسیس شده اند ، عکس العمل اینگونه نهادها نیز عموماً در مقابل قدرتهای اقتصادی و تجاری بین المللی است . اعضای اینگونه تشکل ها پس از اینکه نسبت به برخی جوامع اقتصادی پیشرفته، توان مقابله انفرادی را در خود نمی بینند، از پتانسیل همسایگان خود برای افزایش مناسبات بازرگانی و بهره مندی از حداقل منافع تجاری استفاده می نمایند؛ چه آنکه چنین مناسباتی بدلیل بسترهای مناسب فرهنگی و تاریخی و کاهش هزینه های تجاری بدلیل همسایگی و کاهش چشمگیر هزینه ها و مخاطرات حمل و نقل کالا ، بصرفه است. از جمله اینگونه سازمانها می توان به *آسه آن* و *اکو* اشاره کرد.

سازمانهای تخصصی

این سازمانها، از قاعده مناسبات عمومی و منطقه ای خارج هستند و صرفاً یک تخصص یا تولید ویژه آنها را به دور هم جمع می کند و معمولاً اهداف مربوط به آن تولید یا تخصص خاص را پیگیری می کنند . از جمله این سازمانها می توان به *اپک* اشاره کرد.

تاریخچه صندوق

صندوق بین المللی پول یک سازمان اقتصادی جهانی است که در سال 1945 بر اساس موافقتنامه برتن وودز تأسیس شد و از سال 1947 به عنوان یک نهاد سازمان ملل آغاز به کار کرد. این اقدام اهداف مهمی چون بسط همکاری بین المللی در زمینه مسائل پولی و رفع محدودیت های ارزی ، تثبیت نرخ های ارز، و تسهیل کارکرد نظام پرداخت های چندجانبه بین کشورهای عضو را دنبال می کرد.

در سال 1988 صندوق دارای 151 عضو بود. مفاد قرارداد صندوق از کشورهای عضو می خواست تا نرخ ارزی را رعایت کنند که نوسان های آن محدود به 1+ درصد ارزش

اسمی ارز باشد. این ارزش اسمی بر حسب دلار آمریکا تعیین شده بود که آن نیز رابطه ثابتی با طلا داشت .

در دسامبر سال 1971 میلادی کشورهای گروه 10 ضمن اجلاس انستیتیوی اسمیتسونین واشنگتن بر سر " ارزش های محوری " جدیدی برای پول ها به توافق رسیدند تا از این راه به 10 درصد ارزشگاهی دلار با 25/2 درصد نوسان مجاز دست یابند .هر کشور عضو ملزم به پرداخت سهمیه تعیین شده به صندوق به صورت 25 درصد طلا و 75 درصد پول رایج خود بود، و از آن پس سهمیه ها تاکنون چندین بار افزایش یافته اند.

در سال 1987 مجموع سهمیه های صندوق به حدود 90 میلیارد دلار حق برداشت مخصوص می رسید .منابع مالی صندوق صرف رفع مشکلات موقت ترازپرداخت ها و بر آن اساس، تثبیت نرخ ارز کشورهای عضو می شود. سهمیه هر کشور تعیین کننده سطح وام گیری و نیز حق رأی او در صندوق است. در اوایل دهه 1980، مطابق سهمیه های تعیین شده ، حق رأی آمریکا حدود 22درصد و جامعه اقتصادی اروپا 27 درصد بود؛ و از آنجا که هر تغییر عمده ای در صندوق نیازمند 85 درصد آرا است ، لذا هم ایالات متحده آمریکا و هم جامعه اقتصادی اروپا ، از حق وتو در صندوق برخوردار بوده اند.

هر کشور عضو که با مشکل کسری موقت ترازپرداخت ها روبرو شود، می تواند در مقابل پول خود ارز مورد نیاز خود از صندوق را دریافت دارد، که البته این ارز دریافتی باید ظرف مدت سه تا پنج سال بازخرید شود. اعضایی که در مقابل صندوق دچار کسری شده باشند، طبق مفاد قرارداد، ملزم به مشورت با صندوق جهت بهبود ترازپرداخت های خود هستند.

اهداف صندوق بین المللی پول

-1ایجاد همکاری مالی بین المللی از طریق یک نهاد ثابت که ابزار لازم برای مشاوره و تشریک مساعی در مشکلات مالی جهانی را فراهم می آورد.

-2ایجاد تسهیلات لازم برای توسعه و تعدیل تجارت جهانی و همکاری در جهت پیشبرد و حفظ بازارکار و درآمدهای حقیقی و نیز توسعه منابع درآمدزا برای تمام اعضاء به عنوان هدف اساسی در سیاست گذاری های اقتصادی.

-3تقویت ثبات در بازار تبدیل ارز و حفظ نظام یکپارچه در مبادلات ارزی میان اعضاء و نیز اجتناب از افت ارزش ارز به دلیل رقابت های نادرست در بازار جهانی.

-4کمک به بنا نهادن نظام چند جانبه پرداخت ها در حوزه مبادلات جاری میان اعضاء و در حذف محدودیت های تبدیل ارز خارجی که مانع رشد تجارت جهانی می شود.

-5ایجاد دسترسی موقت اعضاء به منابع صندوق با رعایت جوانب امنیتی لازم برای تسهیل در اصلاح ترازهای پرداخت ناهماهنگ.

*به طور خلاصه،* هدف اصلی تشکیل این صندوق ارتقای میزان همکاری مالی ، جلوگیری از فقر، کمک به رشد اقتصادی ، بازار کار در سطح بین المللی و ایجاد تسهیلات مالی برای کشورهایی که خواستار تنظیم ترازپرداخت شان هستند، می باشد. از زمان تأسیس تا به امروز تغییری در اهداف این سازمان بوجود نیامده است.اما نوع عملکرد آنIMF که نظارت، کمک تخصصی و مالی است، همگام با رشد نیاز و تقاضای کشورهای عضو تغییر کرده است.

ساختار صندوق

صندوق بین المللی پول از نهادی به عنوان *هیأت رئیسه* برخوردار است. هیأت رئیسه صندوق، *عالی ترین مرجع تصمیم گیری* آن است که از نمایندگان اعضاء تشکیل می شود.

هر دولت، نماینده ای ارشد در این هیأت دارد که به طور معمول *وزرای دارایی یا رؤسای بانک های مرکزی* به این سمت انتخاب می شوند. هیأت رئیسه به عنوان عالی ترین نهاد در عالی ترین مؤسسه تصمیم سازی پولی بین المللی است و وظایف مهمی از قبیل *پذیرش عضو جدید، تعیین سهمیه های اعضاء و تخصیص حق برداشت مخصوص* را بر عهده دارد.

جلسات هیأت رئیسه به طور *سالیانه* برگزار می شود و هر سال نزدیک به سه روز اجلاس خواهد داشت.هیأت رئیسه همچنین در جلسات مشترک با بانک جهانی نیز شرکت می کند.

دومین رکن عالی صندوق هیأت اجرایی است. هیأت اجرایی دو نوع عضو دارد ، گروه اول اعضای انتخابی هستند , 19 عضو از 24 عضو هیأت اجرایی توسط عموم کشورها به مدت 2 سال مأموریت می یابند تا به عنوان بازوان اجرایی و اجراکنندگان تصمیم های هیأت رئیسه به انجام وظیفه بپردازند.

از آنجا که اعضای هیأت رئیسه، مدیران ارشد کابینه های دولت های عضو هستند، معمولاً فرصت کافی برای اجرای وظایف خود در هیأت رئیسه ندارند، از این رو فرصت برای تأثیرگذاری هیأت اجرایی افزایش می یابد. دومین گروه اعضای هیأت اجرایی، اعضای انتخابی آن هستند.

کشورهایی که بالاترین حد سهمیه ها را در صندوق بر عهده دارند، فرصت می یابند تا 5 عضو دیگر هیأت اجرایی را منصوب نمایند. این 5 عضو برعکس 19 عضو دیگر، برای مدت دو سال انتخاب نمی شوند، بلکه انتخاب آنها برای یک دوره، تا زمانی دوام خواهد داشت که خود این کشورها فرد دیگری را بجای افراد قبلی منصوب نمایند . ایالات متحده، ژاپن،

آلمان،فرانسه و انگلیس *پنج کشوری* هستند که به سبب *داشتن بالاترین سهمیه های صندوق دارای5 کرسی دائم در هیأت اجرایی* هستند.

سیاست های کاری صندوق بین المللی پول توسط 24 عضو کمیته مالی و هیأت اجرایی آن که به طور سنتی از کشورهای اروپایی هستند،تعیین می شود؛ و 184 کشور عضو ملزم به متابعت از تصمیمات آن هستند. منابع صندوق بین المللی پول از سهمیه های دلاری که هر عضو بر اساس سهمیه خود می پردازد، تأمین می شود.

میزان وام های اعطایی صندوق بین المللی پول در حال حاضر 28 میلیارد دلار و به 74 کشور جهان بالغ می شود. در پایان ماه جولای کل منابع صندوق 317 میلیارد دلار بود و آمریکا با 08/17 درصد کل منابع، بزرگترین سهام دار آن محسوب می شود. سهمیه هر کشور تعیین کننده حق رأی و قدرت آن در صندوق است و مدیران صندوق بین المللی پول نهایتاً

پس از تحمل فشارهای فراوان، متقاعد شدند که به کشورهای چین، کره جنوبی، مکزیک و ترکیه حق رأی بیشتر اعطا کنند.

با آغاز اصلاحات ساختاری در صندوق بین المللی پول و اعطای قدرت مانور بیشتر به اقتصادهای نوظهور پس از سال ها سلطه *اروپایی - آمریکایی*، این نهاد مالی بین المللی با بزرگترین آزمون خود روبرو است. در واقع، صندوق زمانی تن به اصلاح ساختار خود داد که اقتصاد های نوظهور آسیایی هشدار دادند در صورت عدم اعطای نقش بیشتر به آنها در مدیریت صندوق ، از فعالیت خود در صندوق خواهد کاست.

هیأت اجرایی صندوق بین المللی پول هر پنج سال یک بار سهمیه های کشورها را بازنگری می کند و هرگونه تغییر در سهمیه هر کشور همچون سایر تصمیمات مهم، باید به تصویب 85 درصد اعضاء برسد. سهمیه یا حق رأی هر کشور اساساً بر اساس قدرت اقتصادی آن کشور و سهم آن از اقتصاد جهانی تعیین می شود و سهمیه هر عضو، تعهد مالی آن نسبت به صندوق و میزان حق رأی آن را تعیین می کند.

اشکال مهم فرمول سهمیه ها این است که به اقتصاد های کوچک و آزاد معطوف است و کشورهای بزرگ و در حال رشد را نادیده می گیرد. نهادی که مسائل جاری آن را اداره می کند در کنترل اروپایی ها است که *هشت عضو* در آن دارد و آفریقا دو عضو، خاورمیانه سه عضو، آسیا پنج عضو، آمریکا چهار عضو دارند و روسیه و ایالات متحده آمریکا نیز دیگر اعضای آن هستند.

در حالی که اکثر 184 عضو صندوق بین المللی پول با طرح اصلاح ساختار این نهاد بین المللی موافقت کردند، 23 کشوری که عمدتاً در مناطق آمریکای لاتین و خاورمیانه

واقع اند، به این طرح، رأی منفی دادند.آرژانتین، برزیل، هند، مصر و ایران مهمترین مخالفان طرح اصلاح ساختار صندوق بین المللی پول بودند که بر این عقیده اند که طرح اصلاح ساختار صندوق ، قادر به کاهش نفوذ و تسلط قدرت های بزرگ بر آن نیست؛ به علاوه اینکه این کشورها مصرند که به علت رشد قابل توجه اقتصادهایشان، باید به آنها نیز حق رأی بیشتری اعطاء شود.

این در حالی است که گروه هفت کشور صنعتی آمریکا، ژاپن، آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و کانادا که مجموعاً 45 درصد سهم حق عضویت صندوق بین المللی پول را (( که نشان دهنده میزان حق رأی است )) در اختیار دارند، با چنین درخواستی مخالفند.

افزایش سرمایه

در اوایل دهه 1960 نیاز به افزایش منابع سرمایه ای صندوق کاملاً احساس می شد، و از این رو بود که کشورهای گروه 10 یا کلوپ پاریس، یعنی آمریکا، انگلیس، آلمان غربی ،

فرانسه، بلژیک، هلند، ایتالیا، سوئد، کانادا و ژاپن با امضاء (( موافقتنامه عمومی وام گیری )) اعتباری به میزان 5/6 میلیارد حق برداشت مخصوص در اختیار صندوق نهادند تا در مواقع مقتضی از آن استفاده کند. علاوه بر این ، سوئیس نیز که به عضویت صندوق درنیامده بود ،

معادل 200 میلیون دلار اختصاص داد. کشورهای عضو ، به هنگام رویارویی با مشکلات می توانند برای دریافت وام های اضطراری نیز با صندوق به مذاکره بپردازند. به هر حال ، در این مورد ، صندوق بین المللی پول نمی تواند از پول معینی بدون اجازه کشور وام دهنده ، استفاده کند.

در سپتامبر سال 1967، در اجلاس *ریودوژانیرو* ، بر اصول کلی ایجاد پول کاغذی بین المللی توافق شد و در سال 1968 پیشنهادهایی برای اصلاح مفاد موافقتنامه صندوق ارائه گردید. این طرح در ژانویه سال 1969 به تصویب رسید. طبق این طرح ، افزایش سالانه اعتبارات بین المللی باید با (( حق برداشت مخصوص )) به نسبت سهمیه اعضاء ، در میان آنها توزیع شود. از این روش نخستین بار در اول ژانویه سال 1970 میلادی برای توزیع 5/3 میلیارد دلار اعتبار، استفاده شد.

تغییرات

در سال 1976 طبق موافقتنامه جامائیکا تجدید نظر عمده ای در مفاد موافقتنامه صندوق به عمل آمد:

-1لغو ضرورت پرداخت 25 درصد سهمیه به صورت طلا و کنار گذاردن طلا به عنوان واحد محاسباتی حق برداشت مخصوص. در همین رابطه صندوق اجازه یافت تا همه موجودی طلا خود را بفروشد و وجوه حاصله را ، صرف کمک مالی به کشورهای در حال توسعه کند. در این میان، توجه صندوق معطوف به رواج حق برداشت مخصوص، به منزله عامل اصلی ذخیره دارایی، در نظام بین المللی بود.

-2لغو پایبندی به ارزش اسمی تثبیت شده ارز، مندرج در موافقتنامه اولیه صندوق.

افزایش قیمت نفت در سال 1973 میلادی فشار زیادی بر ترازپرداخت های کشورهای مصرف کننده نفت آورد ؛ و لذا صندوق بین المللی پول از طریق اجرای طرح تسهیلات اعطای

وام نفتی اقدام به بازگرداندن دریافتی های مازاد اوپک به بازار جهانی پول کرد. در سال 75-1974 کلاً 9/6 میلیارد حق برداشت مخصوص ، صرف این تسهیلات شد که عمدتاً با وام گیری از اپک تأمین گردید، ولی در سال 1976 میلادی طرح مزبور دچار اختلال شد.

عضویت ایران

دولت ایران جزو 44 کشور دعوت شده به کنفرانس برتن وودز در سال 1944 بود و اعضای هیئت چهار نفره اعزامی آن در کمیسیون های مربوط به تهیه اساسنامه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، شرکت داشتند.

نخستین استفاده ایران از منابع مالی صندوق سال 1330 در اثر مشکلات ارزی حاصل از ملی شدن صنعت نفت بود که دولت در مقابل سفته های ریالی معادل 25درصد سهمیه اعتباری خود در صندوق، دلار بدست آورد.بدلیل کوتاهی مدت اعتبارات صندوق، دولت ایران موظف بود هر ساله بخشی از اعتبار مزبور و دیگر اعتبارات دریافتی خود به دلار بازخرید کند. از نتایج عضویت ایران در صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ، موظف شدن دولت به محاسبه جداول موازنه پرداخت های کشور بود که نخستین بار بنا به درخواست صندوق انجام گرفت و دولت متعهد به ارائه اطلاعات اقتصادی لازم به صندوق شد.

اعضاء

تعداد اعضای صندوق جهانی پول با عضویت مونته نگرو در 18 ژانویه 2007 به 185 عضو رسید. تمامی کشورهای عضو سازمان ملل به استثناء کره شمالی ، کوبا، آندورا، موناکو، لیختن اشتاین ، تووالو و نارو عضو این سازمان هستند. از دیگر کشورهایی که تاکنون به عضوی این سازمان درنیامده اند می توان از تایوان، فلسطین و جمهوری صحرا نام برد. جالب است بدانید که حدوداً 2716 نفر از 165 کشور ،کارمند در این سازمان مشغول به کار هستند و میزان وام اعطایی این سازمان تا تاریخ 31/7/2006 حدود 28 میلیارد دلار، احتساب شده است.

بزرگترین منتقد صندوق بین المللی پول

جوزف استیگلیتز ، برنده جایزه نوبل اقتصاد و عضو سابق بانک جهانی، از مهمترین منتقدان سیاست های صندوق بین المللی پول است.

وی معتقد است در صندوق بین المللی پول، تصمیم ها براساس عقلانیت اقتصادی یا عقلانیت سیاسی گرفته نمی شود، بلکه براساس معجون عجیبی از ایدئولوژی و دیدگاه های اقتصادی گرفته می شوند. این دانشمند آمریکایی علم اقتصاد، که در دو کابینۀ کلینتون جزء

تیم اقتصادی وی بوده است و مدتی در بانک جهانی جزو تصمیم گیرندگان اصلی آن ؛ ولی تصوراتی که وی از این دو مرکز تصمیم سازی در عرصه پولی و مالی بین المللی دارد، بسیار تند است.

به گفته *استیگلیتز*، صندوق بین المللی پول ، غیر دموکراتیک ترین نهاد موجود در جهان است و در آن تنها چیزی که اهمیت ندارد طرز تفکر مخالفان است. این دانشمند آمریکایی در همین زمینه می نویسد:

*هربار که بحرانی به وقوع می پیوندد، صندوق، استانداردهای کهنه و نامناسب خود را بدون توجه به تأثیرات آنها بر مردم کشورها ارائه میدهد*.

همانطور که مشخص است، علاوه بر کیفیت این سیاست ها ، این نکته نیز جالب توجه است که ، سیاست های صندوق برای تمامی بحران ها، واحد است و بجز در مسائل کم اهمیت که آن هم قابل توجه نیست، باقی تفکرات به یک شکل بوده و نسخه ای واحد برای دردهای متفاوت طراحی شده است.

جوزف استیگلیتز که جایزه نوبل اقتصاد را در سال 2001 میلادی ازآن خود کرد، از سال 1993 تا 1997 عضو شورای مشاوران اقتصادی رئیس جمهوری آمریکا ( دوره کلینتون ) و

مدتی هم رئیس این شورا بوده است؛ او همچنین در دوره 1997 تا 2000اقتصاددان ارشد بانک جهانی بود. او از جمله متفکرانی است که عقایدش را در زمینه مسائل جهانی سازی ،فرایند و پیامدهای آن با صراحت و بی پروا بیان کرده است.

وی در پیشگفتاری که بر کتاب معروفش با عنوان جهانی سازی و مسائل آن ،آورده است:

*نه فقط آزاد سازی تجارت ، بلکه در هر زمینه دیگر جهانی سازی ، حتی تلاش هایی که ظاهراً با نیت خوبی صورت می گیرد، نتیجه معکوس داده است.*

این دو سازمان (صندوق بین المللی پول و بانک جهانی) این امکان را داشته اند که برای چالش های توسعه و تحول اقتصاد ، راه های مختلفی پیشنهاد و در این زمینه ، *فرایند مردم سالاری را تقویت* کنند.

اما هر دو سازمان ، تحت تأثیر خواست جمعی *گروه هفت* و بخصوص وزیران دارایی و خزانه داری این کشورها بوده اند و غالباً چیزی که اصلاً به آن تمایل نداشتند ، بحث زنده مردم سالارانه، درباره راهبردهای ممکن دیگر بود . صندوق در ایفای وظیفه اولیه خود که اعتلای ثبات جهانی بود، شکست خورده است.

بخش دوم

گروه بانک جهانی :

کنفرانس برتون وودز در سال 1944، غیر از صندوق بین المللی پول، یک نتیجه تشکیلاتی دیگر نیز داشت و آن عبارت بود از تاسیس بانک جهانی. در واقع بانک جهانی در ابتدای تشکیل ، مجموعه ای از چند نهاد مالی نبود ، آن چنان که امروز است ، بلکه به مرور زمان و با توجه به مقتضیات آن ، هر چند سال سنگ بنای یک موسسه و نهاد آن نهاده شد ، چه بسا در آینده نهادهای دیگری نیز به اینها افزوده شود .اکنون به معرفی *این نهادها* می پردازیم :

1- بانک بین المللی بازسازی و توسعه

در واقع بانک جهانی که در کنفرانس برتون وودز در سال 1944 پایه گذاری شد ، همین *"بانک بین المللی بازسازی و توسعه"* است . *وظیفه اصلی این بانک* ، همچنان که از نامش مشخص است *، رساندن کمک های مالی به کشورهای جنگ زده پس از جنگ دوم جهانی ، و توسعه کشورهای مذکور و فقیر می باشد.*

اهداف بانک ، طبق اساسنامه :

1- مساعدت در بازسازی و توسعه کشورهای عضو از طریق سرمایه گذاری در امور تولیدی ( تولیدات زیربنائی ، صنایع ساختمانی ، لوازم بهداشتی ، پوشاک و ...).

2- تشویق سرمایه گذاری خارجی از طریق تضمین یا مشارکت در اعطای وام .

3- تشویق رشد متوازن و بلند مدت تجارت بین المللی و حفظ توازن در موازنه پرداختها از طریق تشویق سرمایه گذاری.

4- اعطای وام و تضمین با اولویت های بالا در کشورهای عضو.

5- هدایت فعالیت ها با ارائه مشورتهای فنی به اعضاء.

فرآیند اعطای تسهیلات :

1- تقاضای کشور عضو برای دریافت وام

2- اعزام هیأت بانک جهانی برای برسی تقاضا ، به کشور عضو.

3- گزارش هیأت اعزامی بانک در خصوص توافق یا عدم توافق با متقاضی ، به هیأت مدیره بانک.

4- تصویب گزارش هیأت اعزامی به کشور عضو ، توسط هیأت مدیره بانک.

5- بررسی مجدد و کارشناسی پروژه (پروژه ها ) از ابعاد مالی ، فنی ، مدیریتی و اقتصادی.

6- صدور مجوز های داخلی کشور برای اجرای پروژه ( پروژه ها ).

7- توافق نهایی و مذاکرات پایانی بین بانک و کشور متقاضی.

8- پیشنهاد نهایی به هیأت مدیره بانک.

9- اخذ موافقت نامه وام یا تضمین وام از هیأت دولت کشور متقاضی و دستور نماینده تام الاختیار دولت به آغاز اجرای پروژه.

10-دو ماه پس از تصویب وام در هیأت مدیره بانک ، کشور متقاضی موظف به پرداخت commitment می باشد.

11-در طول مدت اجرای پروژه ، گزارش هایی از سوی کارشناسان بانک تهیه می شود که درصورت تایید پروژه از نظر پیشرفت ، مبالغ وام ، طبق توافق ، به مرور پرداخت می شود.

12-گزارش نهایی پروژه تهیه و با اصلاحات کارشناسی تقدیم هیأت مدیره بانک می شود.

ایران در بانک جهانی:

ایران در سال 1945 به عضویت بانک جهانی ( بین المللی بازسازی و توسعه ) درآمد. اکنون ایران با بیش از 23هزار سهم ، حدود 48/1 درصد از کل سهام بانک را به ارزش 2857 میلیون دلار بخود اختصاص داده است . پروژه های سد لار (1965) ، زلزله رودبار (1991)،

فاضلاب تهران (2000) و زلزله بم(2005) از جمله سرمایه گذاری هایی محسوب می شوند که با وام بانک جهانی اجرا شده است.

2-موسسه مالی بین المللی International Finance corporation (IFC)

این موسسه در سال 1956 بنا نهاده شد. این نهاد در واقع *نهادی صرفاً مالی بوده و به وامهای پرداختی آن بهره های نسبتاً بالایی* تعلق می گیرد. وظایف اصلی این موسسه عبارتند از :

الف – پرداخت وام های سرمایه گذاری به پروژه ها در کشورهای عضو.

ب – ارائه مشاوره های تخصصی به پروژه های خصوصی که دارای توجیه اقتصادی مناسب هستند.

*از نظر تشکیلاتی نیز رئیس بانک جهانی ، رئیس این موسسه نیز می باشد،* و قائم مقام او مدیر اجرائیIFC است. طرح های عام المنفعه ، خیریه و هم چنین طرح هایی که توجیه اقتصادی نداشته باشند ، سهمی از وام های این موسسه نخواهند داشت. توجه به این نکته حائز اهمیت است *کهIFC صرفاً در پروژه های خصوصی سرمایه گذاری می نماید*.

سهم مشارکت IFC در پروژه ها

IFC ،در پروژه های سرمایه گذاری مشارکتی محدود، بعمل می آورد. حداکثر مشارکت این نهاد در یک پروژه که به تصویب رسیده باشد ، *بمیزان 25 درصد سرمایه مورد نیاز است؛* اما برای باقی سرمایه مورد نیاز برای پروژه ، *از کشور متقاضی وام یا از سرمایه گذاران خارجی* استفاده خواهد شد. در واقع هر پروژه ای که IFC در آن شرکت نماید برای سرمایه گذاران خارجی یک اعتبار خواهد بود تا ایشان نیز به سرمایه گذاری در آن ترغیب شوند.

خدمات ارائه شده توسط IFC

1- اعطای وام از محل مبالغ داخلی (*صرفاً کمک مالی*)

2- مشارکت با سرمایه گذاری در پروژه های خصوصی (کمک مالی به انضمام مشاوره های فنی)

3- اعطای وام سندیکایی

4- خدمات مدیریت ریسک

5- خدمات جذب سرمایه گذار برای پروژه های خصوصی

بخش سوم

ایران و IFC

ایران در سال 1335 با خرید 372 سهم به عضویت IFC درآمد و اکنون 1444 سهم ، معادل 6/0 % کل سهام IFC را در اختیار دارد . وام 5 میلیون دلاری به شرکت لیزینگ کارافرین ( آذر 81 ) ، وام 10میلیون دلاری به بانک سامان ( دی 83 ) و وام 10 میلیون دلاری به بانک کارآفرین (دی 83 ) ، سه نمونه از وام های IFC به ایران ، پس از انقلاب اسلامی است.

3- موسسه بین المللی توسعه

International Development Association (IDA)

این موسسه که از نهادهای زیرمجموعه بانک جهانی است در سال 1960 میلادی پایه گذاری شد . عضویت در این نهاد مشروط بر عضویت در IBRD است. یعنی هیچ کشوری نمی تواند بدون اینکه در بانک بین المللی ترمیم و توسعه عضو باشد به عضویت موسسه بین المللی توسعه درآید.

*\* وظیفه اصلی این موسسه اعطای وام های کم بهره ، بمنظور توسعه کشورهای عضو می باشد.*

منابع مالی موسسه بین المللی توسعه :

1- حق عضویت :

هر کشوری که به عضویت موسسه بین المللی توسعه درمی آید ، حق عضویت ، پرداخت می نماید. بدیهی است این حق عضویت ها یکسان نیست و پرداخت حق عضویت های بیشتر می تواند به نفوذ بیشتر عضو در آراء و تصمیمات متخذه در جلسات موسسه بیانجامد.

2- اعانات

گاهی اشخاص حقیقی یا حقوقی اقدام به کمک های بلاعوض به موسسه بین المللی توسعه می نمایند. این کمک ها می توانند بصورت اموال منقول ، همچون طلا و جواهر ، یا اموال غیر منقول ، مانند زمین ، باغ و ... باشد.

3- کمک های کشور های ثروتمند

کشور های توسعه یافته در کنار کشورهای توسعه نیافته قرار دارند. مساله توسعه نیافتگی امر پنهان و پوشیده ای نیست ، باطبع ، توسعه نیافتگی برخی از کشورها می تواند بر آرامش و امنیت کشورهای توسعه یافته تاثیر بگذارد. بدون تردید ، جهان یکپارچه توسعه یافته ، برای کشورهای توسعه یافته مطلوب تر است تا جهانی که توسعه نیافته و توسعه یافته در کنار یکدیگر زندگی می کنند. معمولاً هر از گاهی که کشورهای توسعه یافته دور هم جمع می شوند ، اعتباراتی را در اختیار موسسه هایی مانند موسسه بین المللی توسعه قرار می دهند . البته این بسیار خوشبینانه است که فکر کنیم این کمک ها بدون غرض صورت می پذیرد ، چرا که در هر حال ، توسعه یافته ها علاقه مند هستند که کشورهای در حال توسعه را بدنبال خود بکشانند. در واقع این کمک ها معمولاً با برخی راهنمایی های کشورهای توسعه یافته ، از زبان نهادهای بین المللی همراه است که به زعم برخی از کارشناسان ، همین راهنمایی ها به وابستگی کشورهای در حال توسعه به توسعه یافته می انجامد.

4)جریمه های وام های بانک بین المللی ترمیم و توسعه ( IBRD )

طبق قانونی که در گروه بانک جهانی به تصویب رسیده ، و بمنظور ایجاد نظم در جریان پرداختهای مالی این بانک ، جریمه دیرکردی بر وام های پرداختنی بانک بین المللی ترمیم و توسعه در نظر گرفته شده و این جریمه به حساب بانک مذکور ریخته نمی شود بلکه به حساب موسسه بین المللی توسعه واریز می شود تا از این طریق امکان توسعه کشورها فراهم شود.

محل هزینه وام های موسسه بین المللی توسعه

همانگونه که بطور کلی ذکر شد، وام های موسسه بین المللی توسعه برای نجات جوامع بشری از خرابی های جنگ ، فقر و خشکسالی بکارگرفته میشود. با این وجود ، برخی محل های هزینه ای خاص تر هستند که در ذیل به آنها اشاره می شود:

1- ارتقاء کیفیت تحصیلات پایه ای در کشورهای کم درآمد و فقیر

*آموزش های پایه ای از مهمترین های لوازم توسعه است ، و نیروی انسانی ، به عنوان یکی از مهمترین عوامل تولید ، نیازمند آموزش است ،* اگر این آموزش در زمان خود انجام نشود ، جبران آن رفته رفته مشکل تر خواهد بود ، در نتیجه توجه به تحصیلات پایه ای در کشورهای توسعه نیافته ، از اهمیت خاصی در برنامه های موسسه بین المللی توسعه برخوردار است.

2- توسعه خدمات و امکانات اولیه بهداشت و سلامت

سلامت نیز از حوزه های بسیار مهم در توسعه است ، و جامعه ای که از "*حداقلها*" در این حوزه محروم باشد ، آسیب های جدی خواهد دید و هزینه های گزافی خواهد پرداخت . همیشه در یک جامعه ، سرمایه گذاری در زمینه بهداشت بسیار بصرفه تر است تا تحمل هزینه های درمان.کشورهای توسعه نیافته ، علی رغم مشکلات بسیاری که درخصوص تامین منابع مالی مربوط به درمان دارند ، بطور میانگین نیاز به سرانه بیشتری دارند تا بتوانند شرایط" انسان سالم " جهت نیل به اهداف توسعه را فراهم آورند .

3- کاهش آلودگی هوا

آلودگی هوا ، موضوع جداگانه ای نسبت به حوزه سلامت نیست ، اما بدلیل اینکه یکی از مهمترین معضلات جامعه شهری است ، بطور جداگانه مورد تاکید موسسه بین المللی توسعه قرار میگیرد. جالب این است که علی رغم پیشرفت های صنعتی نوین و ابداع سوخت های به اصطلاح سبز و " مهربان با محیط زیست " ، بدلیل مقیاس بسیار بالای نیاز به سوخت صنعتی ، هنوز سوخت فسیلی جایگزین قابل توجهی بخود نمی بیند. با این وجود موسسات مالی ، مانند موسسه بین المللی توسعه ، سعی دارند با روش هایی چون کمک مالی ، از طرح های کاهش آلودگی هوا حمایت نمایند.

4- حفاظت محیط زیست

آلودگی هوا تنها معضل محیط زیست نیست ، بلکه محیط زیست در ابعاد مختلفی چون هوا ، آب ، خاک ، پوشش های گیاهی ، مراتع و جنگلها ، رودخانه ها ، قناتها و دریا ها و امثالهم ؛ امروزه از وضعیت مناسبی برخوردار نمی باشند، از این رو موسسه بین المللی توسعه در صدد است با اعطای وام سروسامانی به وضعیت حفاظت محیط زیست کشورها دهد.

5- انجام اصلاحات بهبود و ارتقاء ساختار اقتصادی کشورهای توسعه نیافته

ساختار در حقیقت مهمترین رکن یک نظام است ، اگر یک نظام اقتصادی ، ساختار نداشته باشد ، در واقع نظامی وجود ندارد، چنین اقتصادی با کمترین بی نظمی درهم فروخواهد ریخت مانند یک بنای پوشالی از شاخ و برگ درختان که اندکی وزش باد محکم تر ، آنرا از بن خواهد کند . البته شاید این مهمترین کمکی است که می تواند موسسه بین المللی توسعه به یک اقتصاد توسعه نیافته بنماید ، اما شاید مشکل ترین و غیر ممکن ترین هم باشد ، چرا که طراحی ساختار برای یک اقتصاد ، حداقل از سوی نهاد هایی چون موسسه بین المللی توسعه ، صندوق بین المللی پول و نظایر آنها ، چندان اطمینان آور نیست. برای اثبات این تردید کافی است ، اندکی به نسخه های پیچیده شده توسط این موسسات برای کشورهای در حال توسعه ، در گذشته ، توجه نماییم. در این خصوص ، بهترین طراحی ها ، طراحی مشترک بین کارشناسان بین المللی و کارشناسان بومی می باشد.

4- آژانس تضمین سرمایه گذاری ها چندجانبه

Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA)

این آژانس در سال 1988 تاسیس شد ، یعنی حدود 40 سال پس از تاسیس اولین نهاد بانک جهانی. در حقیقت بیمه سرمایه گذاری ها که همواره با خطرات مختلف مواجه هستند، امروزه به عضو جدایی ناپذیر " یک بسته سرمایه گذاری"تبدیل شده است . یک پروژه سرمایه گذاری با تهدید های مختلفی مواجه می شود از جمله نظامی ، سیاسی ، افزایش قیمت مواد اولیه و سایر عوامل تولید ، به نتیجه نرسیدن تحقیقات پروژه ، حوادث غیر طبیعی و پیش بینی نشده مانند زلزله ، رانش زمین و نظایر اینها ، و همین امر باعث شده تا *بیمه پروژه ، امروزه از مهمترین مباحث نرم افزاری مربوط به آن بحساب آید.*

MIGA چنین نقشی را در پروژه هایی که توسط گروه بانک جهانی حمایت مالی می شوند بعهده دارد و پروژه ها را علاوه بر آنچه ذکر شد در مقابل جنگها و شورش های داخلی ، نقض قرارداد از سوی میزبان ، مصادره اموال و دارایی سرمایه گذاران تضمین می کند.

5- مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری

International Center for Settlement of Investment Dispute (ICSID)

پروژه های سرمایه گذاری در هر کجای جهان مستعد بروز اختلاف و ناسازگاری هستند ، معمولاً این اختلافها در اثر نوسانات قیمت ها و شرایط اقتصادی ، در طول پروژه بوجود می آید و گاهی اوقات در قراردادهای اولیه پیش بینی مناسبی از اوضاع نشده و مسبب بروز اختلاف می شود. در پروژه های گروه بانک جهانی ، ICSID مرکز حل و فصل این اختلافات می باشد که از سال 1996 تاسیس شده و ریاست آن بعهده رئیس بانک جهانی است. این نهاد ، جدیدترین نهاد در زیرمجموعه بانک جهانی است. ایران بدلیل اینکه در قوانین بین المللی بعضاً اختلافاتی با برخی بنیان های قانون گذاری دارد ، در این مرکز عضو نمی باشد و بدیهی است که در قراردادهای ایران با مجموعه بانک جهانی طرف سرمایه گذار و بانک ، می داند در صورت بروز اختلاف ، موضوع در ICSID قابل طرح و پیگیری نخواهد بود و باید محاکمی که مورد وثوق طرفین است در خصوص اختلاف پیش آمده به قضاوت بنشینند.

سازمان تجارت جهانی Word Trade Organization (WTO)

تاریخچه

سازمان تجارت جهانی در سال 1944 تاسیس و از ابتدای 1995 رسماً آغاز بکار کرد . اما این سازمان جدید التاسیس در سابقه خود در واقع نوعی توافقنامه بود ، بنمام گات GATT که لازم است ، ابتدا مختصری در خصوص آن شرح داده شود :

توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت

General Agreement of Tariff and Trade (GATT)

گات در سال 1947 میلادی آغاز بکار نمود. پیدایش آن در این سال نیز دارای پیشینه ای بود. در سال 1942در لندن ، در حالی که هنوز جنگ دوم جهانی به پایان نرسیده بود ، کنفرانسی بمنظور رفع محدودیت های تجاری و کاهش حقوق گمرکی برگزار شد ، و با این که نتیجه ای نداشت ولی مقدمه ای شد برای حرکت های بعدی در این زمینه . در سال 1947 در شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد تشکلی بوجود آمد بین 7 کشور آمریکا،کانادا، انگلستان، فرانسه ، بلژیک ، هلند و لوکزامبورگ. در واقع این کشور ها ، تشکیل دهنده هسته اولیه گات بودند . این 7 عضو طی نشست سال 1947تصمیم به برگزاری نشستی در هاوانا کوبا گرفتند و از 58کشور برای حضور در آن دعوت نمودند.

\* اولین قدم در خصوص GATT در حقیقت در هاوانا ، پایتخت کوبا اتخاذ شد که موافقتنامه ای عمومی در 34 ماده تنظیم شد و به 58 کشور مذکور ارائه گردید و 24 کشور صنعتی آن را تایید نمودند. از بین این 24 کشور، تنها استرالیا و لیبریا موفق شدند این توافقنامه عمومی را در مجلس قانون گذاری خود بتصویب برسانند و 22 کشور باقی مانده به دلایلی از جمله تردید و ابهام در خصوص تهدید منافع مالی شان از سوی این توافقنامه ، از تصویب آن سرباز زدند . چرا که طبق این توافقنامه باید هزینه های تجارت را از طریق کاهش حقوق و تعرفه های گمرکی و ایجاد شرایط برابر برای کالاهای وارداتی در مقابل کالاهای داخلی خود ، پایین می آورند ، و این مورد تردید عموم کشورها بود.

\* اعضای گات در آخرین سالهای عمر آن 1993به 108 عضو افزایش یافت ، اما بالاخره بدلایل زیر نتوانست به فعالیتهای خود ادامه دهد و جای خود را به سازمان تجارت جهانی داد.

ضعف های گات

1- گات یک سازمان با هویت حقوقی در سطح بین المللی نبود ، بلکه صرفاً یک موافقتنامه عمومی بود ، بنابراین توافق های اتخاذ شده در آن از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نبود.

2- حوزه فعالیت های گات صرفاً شامل کالاهای صنعتی می شد و بنابراین حوزه های کشاورزی ، خدمات ، سرمایه گذاری ، منسوجات ، پوشاک ، محیط زیست و ... را شامل نمی شد.

3- مالکیت معنوی نیز در حوزه فعالیت گات نبود. اموری چون دفاع از آثار هنری ، علمی ، نشر ، ادبیات ، تالیف و ترجمه ، اختراع و اکتشاف و نظایر اینها ، در گات طرح نمی شد.

4- بسیاری از توافق های این پیمان با نقص از سوی تعهدکنندگان مواجه می شد و از آنجا که نظام حقوقی قابل اعتمادی هم نداشت خسارت دیدگان در این موارد جایی برای استیفای حقوق خود نداشتند. در حقیقت این امر را می توان به " گزینشی بودن تصمیمات متخذه در گات " اشاره کرد ، برخی که نفعی برایشان داشت را رعایت می نمودند و بقیه را وامیگذاشتند.

5- عدم عضویت همه جامعه جهانی در گات ، اجرای همه جانبه آن را با دشواری همراه نموده بود ، همچنان که اشاره شد در سال پایانی آن تنها 108 عضو داشت و شاید بتوان گفت قریب نیمی از کشورهای جهان عضو آن نبودند ، هرچند اعضاء ، از کشورهای تاثیر گذار جهان بودند.

\* در حقیقت آنچه بعنوان " ضعف های گات " ذکر شد ، همان عواملی بود که منجر به جایگزینی WTO بجای GATT گردید، چراکه دقیقاً همین موارد از جمله مزایای فعالیت WTO می باشد که در ادامه بطور کامل به آنها اشاره می شود.

مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO)

1- برخورداری از دسترسی به بازارهای بهتر ، بدون پرداخت تعرفه های گمرکی بالا.

2- برخورداری از مزایای تثبیت تجاری ؛ یعنی ممنوعیت برخوردهای تهدید آمیز با کالاهای شما که وارد کننده کالا به کشور مقصد هستید .

3- افزایش امکان جذب سرمایه گذاری های بیشتر به لحاظ تثبیت تجاری.

4- تسهیل انتقال تکنولوژی و امکان استفاده از فناوری های نوین .

5- توانمند شدن در جذب آراء اختلافات در تجارت بین الملل. چرا که هر عضو ، در WTO صاحب حق رای می شوند .

6- حضور موثر و فعال در تجارت بین الملل ؛چراکه WTO گسترده ترین سازمان همکاری های تجاری و قانونی ترین آنهاست . حضور در آن ، یعنی اطلاع از آخرین رویکرد های تجاری جهان .

اصول سازمان تجارت جهانی WTO

1- اصل دولت کامله الوداد

این اصل در واقع از اصول گات هم بود . اصل دولت کامله الوداد *عبارتست از اینکه چنانچه دو دولت با هم چنین پیمانی را برقرار سازند و یکی از این دو ، به یک کشور ثالث ، امتیازی بدهد ، این امتیاز به کشوری که با آن اصل دولت کامله الوداد را امضاء نموده ، نیز داده خواهد شد*. مثلا" اگر ایران و ترکیه این پیمان را منعقد نمایند و سپس ایران اجازه کشتیرانی به

پاکستان در خلیج فارس ، تحت حمایت نظامی ایران را بدهد ، بطور خودکار ، این مزیت به کشتی های ترکیه نیز داده خواهد شد.

2- اصل آزاد سازی تجارت ، از طریق رفع تدریجی موانع غیرتعرفه ای

*3- اصل شفافیت ؛ طبق این اصل باید میزان صادرات و واردات هر کشور، بدون مخفی کاری ، به اطلاع اعضاء دیگر برسد.*

*4-* اصل تجارت عادلانه ؛ این اصل شامل چندین موافقتنامه میشود و هدف از تنظیم آنها ایجاد شرایط برابر ، بین کالاهای وارداتی و تولید داخل است بطوری که هیچ کشوری نباید برای تولیدات داخل خود شرایط بهتری برای فروش فراهم آورد.

1-4موافقتنامه گات ؛ در واقع هر آنچه در گات سابقاً مورد توافق بود ، امروزه بخشی از WTO است.

2-4 موافقتنامه کشاورزی

3-4 موافقتنامه اقدامات بهداشتی

4-4 موافقتنامه رفع موانع تعرفه ای پیش روی تجارت

5-4 موافقتنامه ضوابط سرمایه گذاری تجاری

6-4 موفقتنامه ضد دامپینگ ؛ *دامپینگ عبارتست از فروش کالا و خدمات در کشور مقصد به قیمتی پایین تر از قیمت تمام شده بمنظور بدست آوردن بازار آن محصول.*

7-4 موفقتنامه ارزش گذاری گمرکی

8-4 موفقتنامه بازرسی حمل کالا

9-4 موفقتنامه قواعد مبداء

10-4 موفقتنامه رویه های صدور مجوز

11-4 موفقتنامه یارانه و اقدامات جبرانی

12-4 موفقتنامه حفاظت ها

سازمان همکاری های اقتصادی منطقه ای اکو ECO

تاریخچه

این سازمان در سال 1343 بین 3 کشور ایران ، ترکیه و پاکستان تاسیس شد و تاثیر چندانی در وضعیت اقتصادی اعضاء در سالهای اولیه ، ایجاد نکرد . در سال 1355 در ازمیر ترکیه نشستی برگزار گردید که با رخداد انقلاب اسلامی ایران در سال 1357 ،توافق های صورت گرفته ، پیگیری نشد و تقریباً بحالت تعطیل درآمد. در سال 1363 که حدود 4 سال از جنگ ایران و عراق می گذشت ، جمهوری اسلامی شرایط را برای احیای اکو مهیا دید و بار دیگر با پیشقدم شدن ایران ، این سازمان بحالت فعال درآمد. از جمله دلایل بازگشت ایران به این پیمان را میتوان به مقابله با جهان عرب عنوان کرد که با شروع جنگ عراق علیه ایران ، مقابل ایران صف آرایی کرده بودند.

تاثیر فروپاشی شوروی بر گسترش اکو

در ابتدای دهه 1990 وقتی که اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید ، 6کشور تازه استقلال یافته آسیای میانه و منطقه قفقاز به صف اعضای اکو پیوستند که عبارت بودند از :

قزاقستان

قرقیزستان

ترکمنستان

تاجیکستان

ازبکستان

آذربایجان

علاوه بر اینها ، افغانستان هم به عنوان عضو دهم و عراق بعنوان عضو یازدهم به این پیمان پیوستند.

محور فعالیت های اکو

1-تجارت و سرمایه گذاری

2-حمل و نقل و مخابرات

3-انرژی ، مواد معدنی و محیط زیست

4-کشاورزی و صنعت

5-منابع انسانی توسعه پایدار

6- پروژه آمار و پژوهش اقتصادی

اهداف سازمان اکو

1- ارتقاء شرایط برای توسعه پایدار ، افزایش سطح زندگی و رفاه.

2- گسترش تجارت درون و برون مرزی منطقه ای.

3- تلاش در جهت ادغام تجارت کشورهای منطقه با تجارت جهانی.

4- توسعه زیربناهای حمل و نقل و ارتباطات.

5- توسعه همگرایی بخش های دولتی و خصوصی ، با تاکید بر آزاد سازی اقتصادی.

6- تدوین برنامه مشترک جهت توسعه منابع انسانی و بهره وری از منابع طبیعی.

تشکیلات اکو

1-نشست سران ؛ روسای جمهور ، دو سال یکبار.

2-شورای وزیران؛ که بالاترین رکن تصمیم گیری و سیاست گذاری اکو است .

3- شورای نمایندگان دائم ، که کارشناسان عضو آن هستند و بازوی اجرایی شورای وزیران است .

عوامل واگرایی در سازمان اکو

1-تفاوت ساختار اقتصادی

2-فقدان برنامه مدرن اقتصادی و کامل نبودن اقتصاد کشور های عضو

3-عدم کفایت سرمایه در بین اعضاء

4-فقدان نهادهای لازم بمنظور حمایت از روابط تجاری منطقه ای و بین المللی

5-ضعف قوانین و مقررات ناظر بر تجارت و سرمایه گذاری

6-عدم وجود اطمینان لازم نسبت به یکدیگر

7-اعمال نفوذ برخی از کشورهای خارجی ( آمریکا و اسرائیل )

8-نوپا بودن حکومت و فقدان امنیت سیاسی لازم در برخی اعضاء سازمان.

اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا

آسه آن Association of Southeast Asia Nation (ASEAN)

تاریخچه

اتحادیه آسه آن در حقیقت در سال 1961 با حضور مالزی ، تایلند و فیلیپین بوجود آمد. حضور تایلند و فیلیپین در پیمان سیتو و مالزی که هم پیمان دفاعی بریتانیا بود باعث شد این اتحادیه در آغاز از اقبال چندانی برخوردار نباشد.پس از برکناری سوکارنو توسط سوهارتو، از حکومت در اندونزی ، بسیاری از اختلافات اندونزی با مالزی ، تایلند ، فیلیپین و سنگاپور مرتفع شد و زمینه برای گسترس و رونق اتحادیه اسه آن فراهم آمد . در سال 1967 پنج کشور مذکور با صدور اعلامیه ای در بانکوک تایلند، این اتحادیه ، رسماً آغاز بکارنمود . در ادامه ، کشورهای کشورهای برونئی دارالسلام در سال 1984، ویتنام در 1995 ، لائوس و میانمار در 1997 و کامبوج در 1999 به این اتحادیه پیوسته و اعضای آن را به 10 کشور افزایش دادند. آسه آن پس از آمریکا ، ژاپن و اتحادیه اروپا ، چهارمین منطقه قدرتمند تجاری جهان است.

اهداف آسه آن

1-تسریع رشد و توسعه منطقه از طریق مشارکت همگانی کشورهای عضو.

2-تضمین صلح و ثبات منطقه

3-همکاری های گسترده در زمینه های اقتصادی

4-گسترش همکاری ها در زمینه فنی و تحقیقات

5-افزایش سطح بخش های کشاورزی ، حمل و نقل و صنایع کشورهای عضو.

نشست های آسه ان با غیر اعضاء

1- مجمع منطقه ای آسه آن : این مجمع متشکل از 27 عضو است که 10 کشور آن ، اعضای آسه آن هستند و بقیه عبارتند از : استرالیا، بنگلادش ، کانادا ، چین ، ایالات متحده امریکا ، اتحادیه اروپا، هند ، چین ، کره جنوبی ، کره شمالی ، ژاپن ، مغلستان ، پاکستان ، زلاندنو ، روسیه ، پاپوا گینه نو ، تیمور شرقی و سریلانکا هستند.

2- نشست آسیا – اروپا : این نشست یک فرآیند گفتگو های غیر رسمی بین آسه آن و اتحادیه اروپا است که از 1996 آغاز شده است.

*3-* آسه ان به اضافه 3 : گفته گو هایی است بین اعضای آسه آن و چین، ژاپن و کره جنوبی که در حاشیه هر اجلاس سران آسه آن *بمنظور بهبود روابط بین دولتهای عضو آسه آن و این سه کشور برگزار می شود .*

4- آسه آن – روسیه : رهبران آسه آن و رئیس جمهور روسیه بطور سالیانه ، نشست های مشترک دارند.

5- اجلاس آسیای شرقی : مجمعی است کاملاً آسیایی که سالانه توسط 16 کشور شرق آسیا و منطقه آسه آن برگزار میشود. روسیه از 2005 درخواست شرکت در این اجلاس را مطرح کرده و اکنون بعنوان عضو ناظر در این اجلاس شرکت می کند.

6- نشست آسه آن- سه : گفتگوهایی است بین مقامات آسه آن، استرالیا و زلاندنو.

سازمان همکاری اقتصادی آسیا – اقیانوس آرام

(Asia – Pacific Economic Cooperation) APEC

تاریخچه

هسته اولیه این سازمان در 1989 در کانبرا پایتخت استرالیا تشکیل شد. این مذاکرات بصورت مشاوره ای از سوی گروهی غیر رسمی متشکل از 12 کشور ، شامل 6 کشور عضو آس آن و 6 کشور حاشیه اقیانوس آرام، یعنی استرالیا، کانادا ، ژاپن ، کره جنوبی ، نیوزلند ، و آمریکا ، برگزار شد.

\* تاسیس اپک APEC در واقع در ژانویه 1998 با 18 کشور زیر محقق شد :

*استرالیا، برونئی دارالسلام ، کانادا، شیلی ، چین ، هنگ کنگ ، اندونزی ، ژاپن ، کره جنوبی ، مالزی ، مکزیک ، نیوزلند ، پاپوا گینه نو ، فیلیپین ، سنگاپور ، تایوان ، تایلند و آمریکا.*

\* اکنون سه کشور پرو ، روسیه و ویتنام نیز به آنها ملحق شده اند و تعداد اعضای آن به 21 عضو افزایش یافته است.

اهداف اپک APEC

هدف عمده اپک APEC در بدو تاسیس ، ترغیب موفقیت " مذاکرات دور ارگوئه " بود ، لیکن در حال حاضر ثبات مالی به عنوان هدف عمده آن تایین گردیده است . با توسعه " جهانی شدن " ، فاصله بین آمریکا و سایر اعضای اپک APEC گسترده تر شده و پیوستن اعضای جدید باعث عدم یکپارچگی و افزایش تنش های سیاسی شده است .

\* بطور کلی سازمان همکاری های اقتصادی آسیا – اقیانوسیه (APEC) با اهداف زیر تاسیس شده است :

1- دستیابی به توسعه منطقه ای و رشد سرمایه گذاری در منطقه .

2- مشارکت در اقتصاد جهانی و افزایش مبادلات تجاری و اقتصادی بین اعضاء.

3- کمک به توسعه سیستم های تجارت چندجانبه برای حفظ منافع اقتصادی کشورهای منطقه.

4- کاهش موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای تجارت کالا و خدمات.

5- ایجاد محیط مطمئن و کارا برای نقل و انتقال کالاها ، خدمات و عوامل تولید.

6- گسترش روند مبادله ای دانش فنی ، سرمایه و ایجاد فرصت های جدید تجاری و سرمایه گذاری.

موافقت نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی

North American Free Trade Agreement (NAFTA)

تاریخچه :

سازمان منطقه ای نفتا در 1988 با امضای موافقت نامه تجارت آزاد میان آمریکا و کانادا ، آغاز بکار کرد و پس از طرح عضویت مکزیک در 1992 و پذیرش ، و اجرایی شدن ورود مکزیک به این موافقت نامه در ژانویه 1994 ،در واقع تعداد اعضایش به 3 افزایش یافت .

مفاد پیمان نفتا

1- حقوق گمرکی منسوجات و البسه در مکزیک بلافاصله و در آمریکا و کانادا ، ظرف مدت 10 سال بتدریج حذف شود.

2- ظرف مدت 10 سال تمامی حقوق گمرکی خودروهای سبک و قطعات مربوط به آن بتدریج حذف شود.

3- ابتدا نیمی از کالاهای کشاورزی امریکا که به مکزیک صادر می شود *بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی* به این کشور وارد شوند و سپس نیم دیگر آن طی 15 سال از شمول تعرفه های گمرکی خارج شوند.

4- صنایع پتروشیمی ، برق و ذغال سنگ مکزیک به استقبال بازار رقابت آزاد بروند.

5- وسایل الکترونیکی و مخابراتی بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی به داخل مکزیک وارد شوند ؛ و شرکت های آمریکایی و کانادایی در ارائه چنین خدماتی در مکزیک آزاد تر عمل نمایند.

6- در زمینه خدمات بانکی و فروش اوراق بهادار ، مکزیک بتدریج درهای اقتصاد خود را بروی شرکت های آمریکایی بگشاید و این آزادی عمل تا تحقق کامل آن ادامه یابد.

7- تمامی محدودیت ها برای شرکت های آمریکایی در خصوص مسائل بیمه حذف گردد.

8- در مورد حمل و نقل زمینی ، حتی کامیون های حمل بار از خاک آمریکا به داخل مکزیک آزادانه وارد شوند .

9- فعالیتهای آن دسته از سازمانهای دولتی که مشغول خرید و تهیه لوازم مورد نیاز ادارات دولتی هستند ، بتدریج به بخش خصوصی واگذار شود و رقابت برای انعقاد قرارداد آنها، آزاد شود.

10- شرکتهای خصوصی این 3 کشور ، حق سرمایه گذاری و رقابت در صنایع یکدیگر را داشته باشند ، غیر از صنایع نیرو و راه آهن مکزیک ، خطوط هوایی و صنایع مخابراتی رادیویی آمریکا و سازمانهای فرهنگی آمریکا.

11- دو کمیسون نیز بمنظور نظارت بر اجرای قوانین مربوط به حفظ محیط زیست ، رعایت حداقل دستمزد ها و جلوگیری از بکارگیری کودکان ، تحت عنوان موافقت نامه الحاقی تاسیس شوند ، با اختیارات کامل.

کمسیون های جانبی نفتا

علاوه بر آنچه ذکر شد در سال 1993 ، در پی تشدید فشارهای داخلی برآمریکا ، این کشور مذاکراتی را با هم پیمانانش در نفتا برای تشکیل این دو کمسیوت آغاز کرد :

1-NAALC یا موافقتنامه همکاری کار آمریکای شمالی ،که وظیفه نظارت بر اجرای قوانین کار را بعهده دارد.

2- NAAEC یا کمسیون همکاری محیط زیستی آمریکای شمالی که برای مبارزه با آلودگی ، تضمین اینکه توسعه اقتصادی بر محیط زیست آسیب نمی رساند ، در جهت نظارت بر رعایت قوانین زیست محیطی در نفتا و در سطوح ملی ایجاد شد.

پیامد های منفی نفتا

1- برخی کارخانه های آمریکایی بدلیل گران بودن تولیدشان در صدد انتقال به مکزیک برآمده و همین امر باعث خروج بازارهای محلی مکزیک از اختیار تولیدکنندگان مکزیکی شد ، پدیده ای که به حذف فعالان تجاری کوچک و تشکل های کارگری مکزیک انجامید . هزاران شرکت کوچک مکزیکی از بین رفت . کشاورزان و توزیع کنندگان خرده پای بسیاری در مکزیک ورشکسته شده و دهقانان به وضع فلاکت باری دچار شدند.

2- لغو محدودیت فعالیت های سرمایه گذاری بخش خصوصی، در حوزه هایی چون خدمات دولتی ، درمان ، سیستم های آب رسانی ، مدارس و کتابخانه ها دچار آسیب های زیادی در اثر واگذاری به بخش خصوصی شدند.

3- در موافقتنامه نفتا، به بهانه واگذاری کارها به بخش خصوصی ، و آزادسازی اقتصاد جهانی ، تمامی نظارت های مردمی بر کسب و کار از بین رفت .

4- شغل هایی که می توانست در آمریکا ایجاد شود بدلیل بصرفه بودن تولید در مکزیک ، به این کشور روانه شد و بیکاری را در آمریکا دامن زد.

5- نفتا در اکثر نشست های خود صرفاً به مباحث اقتصادی بسنده نمود و توجه چندانی به زیرساختهای مورد نیاز ، بویژه در مکزیک ، ننموده است.

سازمانهای همکاری های شانگهای :

تاریخچه

این سازمان از دل رقابت قدرت های بزرگ بر سر منطقه ژئوپلتیک آسیای میانه ظهور کرد . هدف اولیه تاسیس آن عبارت بود از غیر نظامی کردن مرز بین چین و شوروی .این سازمان ابتدا با نام شانگهای 5 در 1996 تاسیس شد که اعضایش عبارت بودند از :

چین ، روسیه ، قزاقستان ، تاجیکستان و قرقیزستان .

پس از عضویت ازبکستان نام این سازمان از شانگهای 5 به سازمان همکاری های شانگهای تغییر کرد.

\*در آوریل 1996 بین اعضای شانگهای 5،موافقت نامه ای در خصوص (( تعمیق اعتماد نظامی در مناطق مرزی)) به امضاء رسید.

\*در آوریل 1997 در مسکو ، موافقتنامه ای امضاء شد که ( نیروهای نظامی در مناطق مرزی) را کاهش می داد.

\* هم چنان که ملاحظه می شود ، این سازمان اقتصادی ، در ابتدا یک پیمان نظامی بوده و از این نظر تقریباً در نوع خود بی نظیر است.

\* ازبکستان تقریباً آخرین عضو اصلی این سازمان است و از حدود 8 سال پیش تاکنون این سازمان عضو اصلی ، اختیار نکرده بلکه پنج عضو ناظر به آنها اضافه شده است که عبارتند از : مغولستان(2004) ، ایران و پاکستان (2005) ، هند و افغانستان (2012)

علل گرایش اعضای سازمان همکاری های شانگهای به فعالیت های اقتصادی

1- حفظ بازارهای تازه معرفی شده آسیای میانه ، که در دهه 1990 تشکیل شدند و باید هم چنان در کنترل قدرتهای منطقه یعنی چین و روسیه می ماندند.

2- نیاز مبرم کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه به بازارهای قدرتمند عرضه.

3- تشکیل خط مقدم مقاومت اقتصادی در مقابل برخی اتحادیه ها و قدرت های اقتصادی مانند آسه آن ، کره جنوبی و ژاپن ، تا اینکه کشورهای عضو سازمان شانگهای، صرفاً تبدیل به بازار مصرف نشوند.

4- انتقال تجربیات و دانش اقتصادی بین اعضاء با توجه به زمینه های گسترده فرهنگی.